یادداشت

وزیری
برای عبور از ابربحران‌ها

امیرحسین چیت‌ساززاده
کارشناس سیاست‌گذاری مهاجرت

چرخ ایام در چند ماه گذشته چنان به گـردش افتاد که با وجود انتظار عمومی تغییری در ترکیب ساختار دولت حاصل شد. در این روزها پس از انتخاب و معرفی اعضای کابینه از طرف ریاست‌جمهوری، بحث‌هـا و گفت‌وگـوها دربـاره رأی اعتماد یـا عدم اعتماد بـه وزیران پیشنهادی در مجلس و در بین گروه‌های سیاسی در جریان است.

در این راسـتا لازم دیدم از تجربه همکاری و مشـاهدات شخصی‌ام در بـازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ از دکتر احمد میدری، وزیر پیشـنهادی کار، تعاون و رفاه اجتماعی، نکاتی را در دفاع از شایستگی و توانمندی ایشان برای احراز این سـمت بیان کنم، به این امید که بیش‌ازپیش زمینه برای حضور نخبگان در مناصب عمومی کشور و ارتقای نظام حکمرانی ایران فراهم شود.

● این شـاید نخسـتین بار باشد که یک اقتصاددان شناخته‌شـده و صاحب‌نظر بـرای احراز وزارت کار، تعاون و رفـاه اجتماعی به مجلس معرفـی می‌شـود. تا پیش از این عمدتا رسـم بر این بـوده که مدیرانی اجرائی که سـابقه تعامل با سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی را داشته‌اند، برای مدیریت این وزارتخانه معرفی می‌شـدند. نکته منفی این سـابقه این‌گونه بوده است که در اکثر موارد پس از مدتی منتقدان از کم‌توجهی دولت بـه طراحی و اجرای سیاسـت‌های معطوف بـه بـازار کار و رفاه اجتماعی انتقاد می‌کردند و معتقد بودند درگیری بسیار زیاد وزیر مربوطه با مسـئولیت‌های دیگر این وزارتخانه که به مدیریت شستا و شرکت‌های زیرمجموعـه آن می‌پردازد، باعث غفلت از رسـالت اصلـی وزارتخانه مربوط به سیاسـت‌گذاری بازار کار و ایجاد نظام رفاهی منسجم و فراگیر شده است.

حضور دکتر احمد میدری در رأس این وزارتخانه امیدی درخور توجه برای رفع این نبود توازن اسـت. دکتر میدری علاوه بر اشـراف علمی به مباحث مرتبط با بازار کار و سیاست‌های رفاهی، سابقه موفق و درخشان هشـت سـال هدایت معاونت رفاه اجتماعی وزارتخانـه را در کارنامه دارنـد که ایجاد پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان یکی از دسـتاوردهای این دوره اسـت. تلفیق این دانش و تجربه در مدیریت ارشـد این وزارتخانه می‌تواند پس از سـال‌ها جایگاه واقعی آن را در نظام حکمرانی احیا کند و زمینه‌سـاز تعدیل نگاه فعلی به این وزارتخانـه به‌عنوان یک بنگاه‌دار کلان اقتصادی شود.

● پیگیـری نظرات دکتر میدری در سـال‌های مسـئولیت در معاونت وزارت رفاه و پس از آن نشـان می‌دهد که ایشـان با وجود درگیری‌های اجرائـی، مطالعه مسـتمر بـرای روزآمد نگه‌داشـتن خـود را همواره ادامـه داده و به‌جرئت می‌توان گفت امروزه ایشان یکی از جدی‌ترین صاحب‌نظران حوزه توسـعه در ایران اسـت که از طریـق فعالیت‌های فکری مسـتمر، زمینه را برای نقد و بازخوانی دربـاره مسـئله توسـعه در ایران و مسیرهای رسیدن به آن در بین اندیشمندان و کنشگران این حوزه فراهم کرده است.

امـا باید توجه کرد کـه این تنها مزیـت دکتر احمد میدری نیسـت. نیـک می‌دانیم که در ایران صاحب‌نظران توسـعه بسـیارند، اما اندکی از آنـان توانایـی اجرائی‌کردن ایده‌های خـود را بر روی زمیـن را دارند و دکتر احمد میدری یکی از آنان اسـت. دکتر احمـد میدری توانایی درک صورت‌مسئله‌های انضمامی نه صرفا نظریه‌های انتزاعی، مهارت مذاکره با ذی‌نفعان یک مسئله، قدرت چانه‌زنی با بازیگران دولتی و ائتلاف‌سازی با نهادهای جامعه مدنی را یکجا در خود جمع کرده است.

و اما مهم‌تر از این شـجاعت و توانایی ریسک‌پذیری است که امروزه گوهـری نایاب در بیـن مدیران دولتی در ایران به اقتضای افزایش سـن و گاهی آلودگی به انواع رانت‌هاسـت. دکتر احمد میدری برخلاف تیپ غالب مدیران دولتی در ایران، هراسـی از مواجهه با واقعیت‌های مسائل اجتماعی در ایران ندارد و پس از بحث‌های کارشناسی در صورت رسیدن به راه‌حلی خارج از چارچوب‌های مسلط، جسارت پیگیری رویکردهای نو و خلاقانـه در عرصه حکمرانی را دارد و دچار روزمرگی و محافظه‌کاری رایج در دولت نیسـت و در این مسـیر از انواع انگ‌ها هراسی ندارند و در صورت لزوم از پرداخت هزینه ابایی ندارد.

● دکتر احمد میدری عمیقا به توانایی جامعه مدنی و مشارکت آن در حل مسـائل اجتماعی اعتقاد دارد و در دوره معاونت خود تعداد زیادی از همکاری‌های مثبت بـا نهادهای جامعه مدنی و هموارکردن راه آنان برای حضور در عرصه سیاسـت‌گذاری را به منظور نمایندگی بخش‌های بی‌صدای جامعه به ثبت رسانده است.

در دوره مسـئولیت ایشـان هفته‌ای نبود که در یک نشست عمومی در دانشـگاه‌ها و نهادهای مدنی به گفت‌وگو با دانشگاهیان، کارشناسان، سازمان‌های مردم‌نهاد یا نمایندگان جوامع هدف سیاست‌گذاری ننشیند و از دیدگاه‌هـا و دغدغه‌های آنان برای اصلاح برنامه‌ها و سیاسـت‌های خود بهره نبرد. اهمیت این روحیه زمانی آشکار می‌شـود که بدانیم در ایران عموم مدیران پس از تصدی مسـئولیت دیگر در دسـترس نیستند و از در پشـتی محل کار خود وارد و خارج می‌شـوند، مبـادا با منتقدی روبه‌رو شـوند. از این نظر معتقدم انتصاب ایشان به‌عنوان وزیر می‌تواند الگویی جدید از یک مدیر ارشـد تعامل‌گرا و گشـوده به نظام حکمرانی ایران ارائه دهد.

● دکتـر احمـد میدری به‌خوبـی تـوان به‌کارگیـری، پـرورش و تعامـل بـا جوانـان را دارد. یکی از نقاط درخشـان کارنامه ایشـان در معاونـت رفـاه وزارت کار، تعاون و رفـاه اجتماعـی، بنیان‌گذاری مرکز توانمندسـازی حاکمیـت و جامعه با مشـارکت جهاد دانشـگاهی بود که با جـذب فارغ‌التحصیلان شایسـته و برتر علوم سیاسی، اقتصاد و علـوم اجتماعی، علاوه بر تولید ده‌ها گزارش سیاسـتی اثرگذار، زمینه را بـرای تربیت نیروی انسـانی خبره و مسـلط به دانـش روز جهان در عرصـه سیاسـت‌گذاری و حکمرانی فراهم کرد کـه می‌توانند به‌عنوان بازویـی در ارتقـای ظرفیت حل مسـئله نظام حکمرانی کشـور ایفای نقش کنند.

در پایان با توجه به آنچه اشـاره شـد، امیدوارم نمایندگان مجلس با رأی اعتماد خود به دکتر احمد میدری، مدیری عالم، شـجاع، نهادساز و گشوده به جامعه و نسل‌های جدید را بر کرسی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی بنشانند.

خلأ دیپلماسی عمومی و استراتژی صهیونیسم در ترور دیپلماسی

بررسی یک نمونه مستند: ۱۵ سال تلاش لابی صهیونیسم برای ترور شخصیت موسویان

آقای عباس عراقچی، وزیر پیشـنهادی امور خارجه، یکی از محورهای برنامه‌های اعلامی خود را «دیپلماسـی عمومی فعال و روایت‌سازی هوشـمندانه و اقناعی در جنگ شـناختی» اعلام کرده اسـت. این موضوع یکی از نقطه‌ضعف‌های مهم همه دولت‌های قبلی بعد از انقلاب بوده اسـت؛ بنابراین در این نوشـتار به استراتژی رژیم صهیونیستی در سـاماندهی «دیپلماسـی عمومی ضد ایران» و «ضعف دیپلماسی عمومی ایران» می‌پردازیم. دسـت‌کم در دو دهه گذشته توجه افکار عمومی ایران و جهان به چند موضوع مهم جلب شده است:

الف: استراتژی رژیم صهیونیستی برای:

۱) گسـترش تحریم‌های ایران و ممانعـت از رفع هرگونه تحریم‌های فعلی علیه ایران

۲) ممانعت از حل مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران

۳) تخریب دیپلماسی بهبود روابط ایران با جهان غرب و کشورهای همسایه

۴) تلاش برای فروپاشـی ایران از طریق ایجاد بحران در داخل و در روابط خارجی ایران.

ب: همراه‌کردن آمریکا، اروپا، کشورهای منطقه برای «اقدامات ضد ایران».

ج: به‌کارگیـری و مدیریـت گروه‌هـای تروریسـتی ایرانـی، اپوزیسـیون برانداز و جنگ‌طلـب ایرانی خارج از کشـور برای «ایران‌هراسـی» در افـکار عمومی جهان و هم‌زمان به‌کارگیری آنها در عملیات نفوذ و خراب‌کاری در داخل کشور.

بیش از یک دهه اسـت که بسیاری از رسانه‌های معتبر جهان در تحلیل‌های خود مستمرا روی یک نکته تأکید می‌کنند که «رژیم صهیونیستی به دنبال کشاندن آمریکا به جنگ علیه ایران است». خراب‌کاری‌های مکرر علیه تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران، سرقت اسـناد به‌کلی سری هسته‌ای ایران، ترور دانشـمندان هسته‌ای مانند محسن فخری‌زاده، ترور فرماندهان نظامی ایران و مقاومت در کشـورهای منطقه و به‌تازگی هم ترور اسـماعیل هنیه، مسئول امور سیاسی حماس در تهران، برخی از نمونه‌های عینی و آشکار طراحی‌های رژیم صهیونیستی است که راجع به آنها میلیون‌ها مقاله و خبر و گزارش در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایران و جهان منتشر شده است.

اما استراتژی رژیم صهیونیستی در «ترور دیپلماسی» و هم‌زمان «ضعف دیپلماسی عمومی ایران»، یک ضلع مهم دیگر اسـت که نسبت به آن توجه لازم و کافی نشده؛ بنابراین «افکار عمومی آمریکا و جهان غرب» نسـبت به ایران در چند دهه گذشـته بسیار منفی بوده است. دولت‌های آمریکا اعم از دموکرات یا جمهوری‌خواه نمی‌توانند فاکتور «افکار عمومی» را در سیاست‌های خود نادیده بگیرند؛ پس لابی صهیونیسم در آمریکا با سرمایه‌گذاری سـنگین، تلاش‌های بسیار گسترده‌ای در داخل آمریکا و دیگر کشورهای غربی به خرج داده تا با «اهریمن‌سازی» از ایران، افکار عمومی آنها را با هر نوع اقدام علیه ایران همراه کند.

در ایـن گزارش تحقیقـی، ضمن معرفی چند لابی مهم صهیونیسـتی ضد ایران در آمریکا، به یک نمونه از تلاش‌های صهیونیسـم برای ترور شـخصیت موسـویان می‌پردازیم؛ چـون او تنها دیپلمـات ایرانی بعد از انقلاب اسـت که بعـد از دوران بازنشسـتگی و اشتغال در یکی از معتبرترین دانشـگاه‌های آمریکا، توانسته با صدها مصاحبه، مقاله، سخنرانی و کتاب، نقش درخور توجهی در دیپلماسی عمومی و افکار عمومی آمریکا و جهان در راستای مقابله با سیاست‌های «جنگ و تحریم» علیه ایران و رفع خصومت و دشمنی آمریکا و ایران ایفا کند.

اغراق نیسـت اگر بگوییم کـه قبل از انقلاب هـم هیچ دیپلمـات ایرانی در حد موسویان نتوانست در افکار عمومی جهان به‌ویژه جهان غرب تأثیرگذار باشد، تا جایی که اردشیر زاهدی، وزیر خارجه و سفیر ایران در آمریکا، در نامه‌ای به موسویان نوشت: «مایه افتخار من اسـت که مقالات شما را می‌خوانم. اما مقاله ۱۲ جولای ۲۰۱۹ شما در گاردین به‌طور شگفت‌انگیز و صادقانه‌ای برای من آموزنده بود. من به شما افتخار می‌کنم. ان‌شاءالله به لطف خدای قادر متعال، شما همیشه سرزنده و سلامت باشید تا بتوانید به ملـت ۸۳میلیونی ایران خدمت کنید. من همه ملت ایران را خواهران و برادران خودم می‌دانم».

اردشیر زاهدی درباره سردار سـلیمانی هم گفت: «من به قاسم سلیمانی افتخار می‌کـردم، افتخار می‌کنـم و افتخار خواهم کرد؛ کسـی که جان خـودش را در راه مملکتش فدا کرد، نه کسانی که خودشان را به پول فروخته‌اند».

لابی صهیونیسم در آمریکا با محوریت نهاد غیردولتی «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» موسوم به «آیپک» مؤثرترین نقش را در آمریکا علیه ایران ایفا کرده است. این تشـکیلات که با حمایت مالی میلیاردرهای جهانی صهیونیسم اداره می‌شود، از نفوذ و قـدرت فوق‌العاده‌ای در آمریکا برخوردار اسـت. به‌عنوان یک نمونه روزنامه معروف یواس‌ای‌تودی آمریکا در گزارش خرداد ۱۴۰۳ خود می‌نویسد: «تنها در سال ۲۰۲۲، آیپـک ۳۵۰ هزار دلار برای تبلیغات ضد ایلان عمر، نماینده مسـلمان طرفدار فلسطین در کنگره، هزینه کرده است. این تشکیلات به تمام نمایندگان مهم و تأثیرگذار در انتخابات کنگره آمریکا کمک مالی می‌کند.

برای مثال مبلغ ۴.۲ میلیون دلار بـه جو بایدن، ۱.۹ میلیون دلار به میچ مک‌کانل رهبر جمهوری‌خواهان در کنگره، ۱.۷ میلیون دلار به چاک شومر رهبر دموکرات‌ها در کنگره و ۱.۵ میلیون دلار به سـناتور تد کروز، نماینده جمهوری‌خواه ضد ایران، کمک مالی کرده است.

دسـت‌اندرکاران آیپک برای تشدید اقدامات آمریکا علیه ایران، اقدام به ایجاد «دو نهاد غیردولتی ویژه ایران» کردند.

گروه اول به نام «اتحاد علیه ایران هسـته‌ای». مارک والاس مدیر اجرائی این گروه، سیاست‌مدار جمهوری‌خواه آمریکایی تندرو و سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد است و برخی از دست‌اندرکاران این گروه عبارت‌اند از: جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ، زوهر پلاتی رئیس پیشین سازمان موساد، جیم ولسی رئیس پیشین سازمان سیا، مئردگان رئیس سابق موساد، ریچارد دیرلاو رئیس سابق سرویس اطلاعاتی انگلستان، آگوست هنینگ رئیس سابق سرویس اطلاعاتی آلمان، سناتور لیبرمن ضدایرانی‌ترین عضو تاریخ سنای آمریکا، کریستن سیلوربرگ سفیر آمریکا در اتحادیه اروپا، چارلز گاتری فرمانده سابق ارتش انگلستان و مدیر هلدینگ ثروتمند روچلید در انگلستان (خاندان یهودی روچیلد). به‌تازگی نیز جب بوش به سـمت ریاست این گروه انتخاب شد و در اولین پیـام خود گفت که جنگ اقتصادی علیه ایران را تشـدید خواهد کرد. جب بوش فرزند دوم جورج اچ. دابلیو بوش و برادر کوچک‌تر جورج دابلیو بوش رئیس‌جمهورهای پیشین ایالات متحده آمریکاست.

نشـریه سـازمان کانترپانچ در تاریخ یکم ژوئن ۲۰۲۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «چه کسانی طراحان پشـت پرده برای جنگ ترامپ علیه ایران هسـتند»، می‌نویسد:

«یکی از اهداف «گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای» ترویج خشـونت و تروریسـم در خاورمیانه است. این گروه فهرسـتی از صدها کمپانی مهم از آدیداس در سوئیس تا فایزر و بایر و مرک تهیه کرده و آنها را درباره هر نوع تجارت با ایران تهدید کرده است. بودجه این گروه از میلیاردرهای یهودی آمریکایی مانند شلدون آدلسون و توماس کاپلان تأمین می‌شود. مارک والاس مدیر این گروه در سال ۲۰۱۸ حقوق ۷۵۰ هزار دلاری گرفت. ترامپ را در این سـال از برجام خارج کردند. گروه‌هـای ضد ایرانی تحت پوشـش یک مجموعه سـی‌ای‌پی‌یو هسـتند که در سـال ۲۰۱۷ بودجه ۲۲ میلیـون دلاری برای فعالیت‌های ضد ایران داشـته اسـت. سی‌ای‌پی‌یو دو سال قبل از انتصاب بولتون از سـوی ترامپ به‌عنوان مشاور امنیت ملی، ۲۴۰ هزار دلار به بولتون پرداخته تا مشـوق جنگ علیه ایران باشـد... . سی‌ای‌پی‌یو مبلغ ۳۶۶ هزار دلار در سال ۲۰۱۸ به نورمن رول پرداخته که او در دوران اوباما مسئول امور ایران در سـازمان سی‌آی‌ای بوده است. به محض قتل فجیع جمال خاشقچی، نورمن رول فعالیت‌های تبلیغاتی زیادی در دفاع از محمد بن‌سـلمان انجام داد و او را یک چهره اصلاح‌طلب و رفرمیست معرفی کرد... . نامه سناتور لیبرمن پرزیدنت گروه اتحاد علیه ایران هسـته‌ای، مارک والاس مدیر این گروه و فرانسز تاون سند پرزیدنت سی‌ای‌پی‌یو به ترامپ مانع رفع تحریم‌های دارویی آمریکا درباره کووید۱۹ برای ایران شـد... . این دو مؤسسـه پرداخت‌هایی به کمپانی‌های لابی‌گری در اسرائیل کرده که اصلا وجود خارجی نداشتند؛ مثل پرداخت ۵۰۰ هزار دلار به کمپانی دارلینک و ۱.۵ میلیون دلار به کمپانی گروبیزینس که یک کمپانی کاغذی ثبت‌شده در پاناما بوده است...». گزارش فوق ارتباطات و ملاقات‌های سران این دو مؤسسه با سازمان مجاهدین و همکاری‌های متقابل را نیز فاش کرده است.

> «یکی از اهداف «گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای» ترویج خشونت و تروریسم در خاورمیانه است. این گروه فهرستی از صدها کمپانی مهم از آدیداس در سوئیس تا فایزر و بایر و مرک تهیه کرده و آنها را درباره هر نوع تجارت با ایران تهدید کرده است. بودجه این گروه از میلیاردرهای یهودی آمریکایی مانند شلدون آدلسون و توماس کاپلان تأمین می‌شود.

گروه دوم به نام «بنیاد دفاع از دموکراسـی‌ها». مارک دوبویتز و بنیامین وایتنال دو صهیونیسـت اصلی مدیریت این بنیاد هسـتند. طبق گزارش‌های منتشره رسمی، این بنیاد با کمک مالی ۲۲۲ میلیون‌دلاری خانواده میلیاردر صهیونیستی به نام آبرامسون در سـال ۲۰۰۱ تأسـیس شـد. برونفمن (رئیس کنگره جهانی یهود در سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷) مبلـغ یک‌میلیون و ۵۰ هزار دلار از سـال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ به این بنیاد کمک مالی کرد. از آن زمان تاکنون ثروتمندان صهیونیستم، چند میلیارد دلار کمک‌های مالی به این بنیاد کرده‌اند. طبق گزارش‌ها علنی این بنیاد در حمله آمریکا به عراق نقش ایفا کرد و مأموریت اصلی آن در سال‌های اخیر اقدام نظامی آمریکا علیه ایران است. این گروه در بیانیه ۱۸ مرداد ۱۴۰۳، از آمریکا خواست که حمله نظامی به پایگاه‌های سپاه در ایران را در دستور کار قرار دهد.

نیویورک‌تایمز در سـال ۲۰۱۸ در گزارشی فاش کرد که مارک دوبویتز مدیر این بنیاد در سال ۲۰۱۶، سالانه ۵۶۰ هزار دلار حقوق برداشت کرده است و درباره خروج ترامپ از برجام نقش مهمی داشته است. این در حالی است که طبق گزارش نشریه فاکس بیزینس آمریکا، حقوق سالانه رئیس‌جمهور آمریکا ۴۰۰ هزار دلار است که با مجموعه مزایا و هزینه‌های سفر و... حدود ۵۶۰ هزار دلار می‌شود.

ترور شخصیت موسویان: یک نمونه عملی در تشـریح اقدامات رژیم صهیونیستی در دیپلماسی عمومی ضد ایران

ژیائو وانگ، دانشـجوی چینی-آمریکایی دوره دکترای دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۱۶ برای تحقیق درباره روابط ایران با قدرت‌های اسـتعماری در دوره قاجار به ایران سـفر کرد که دستگیر و به اتهام جاسوسی به ۱۰ سـال زندان محکوم شد. او در سال ۲۰۱۹ در دوره ترامپ با یک استاد ایرانی به نام مسعود سلیمانی که در آمریکا بازداشت شـده بود، مبادله شـد و به آمریکا بازگشت. بعد از بازگشـت، گروه اتحاد علیه ایران هسـته‌ای این دانشجوی چینی-آمریکایی را تحت پوشـش خود قرار داد و پروفایلی از او در وب‌سـایت رسمی خود منتشر کرد. سپس او را در «مؤسسه آمریکن اینترپرایز» وابسته به جمهوری‌خواهان و از طرفداران پروپاقرص اسرائیل مشغول به کار کردند. این دانشـجو بعد از بازگشت به آمریکا، دسـتور کار «گروه سیاست اتحاد علیه ایران هسـته‌ای» را دنبال کرد، برجام و سیاسـت‌های تعاملی اوباما با ایران را به باد انتقاد گرفت و سیاست «فشار حداکثری ترامپ» را تبلیغ کرد.

در ۱۲ آبان ۱۴۰۰ برابر با سوم نوامبر ۲۰۲۲ با هدایت و تأمین مالی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، دانشـجوی چینی-آمریکایی شکایتی علیه دانشگاه پرینستون تسلیم دسـتگاه قضائی آمریکا کرد که طی آن موسـویان را به‌عنوان یکی از متهمان در این شکایت مطرح کرد. او در شکایت خود نوشت: موسویان طی مقالات متعدد از برنامه هسـته‌ای ایران و منافع ایران حمایت کرده، درحالی‌که از نظر دولت آمریکا، ایران یک کشور حامی تروریسم است.

بنیامین ماینتال در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۱ برابر با ۳۰ آذر ۱۴۰۰ در روزنامه جوروزلم‌پست این موضوع را فاش کرد و نوشـت که دانشـجوی چینی‌الاصل دانشگاه پرینستون شکایت خود را علیه این دانشگاه و موسویان تسلیم کرد.

۱۲ ژانویـه ۲۰۲۲ وب‌سـایت «کمپس‌واچ» که اختصاص به گـزارش و تحلیل در مورد دانشـگاه‌های آمریکا دارد، طی گزارشی با تیتر «موسویان: نامطلوب‌ترین مرد در آمریکا»، به بازداشت و زندانی‌شدن دانشجوی چینی-آمریکایی دانشگاه پرینستون به اتهام جاسوسـی در ایران پرداخت و طی این گزارش اتهاماتی علیه موسویان مطرح کرد ازجمله دست‌داشتن در ترور رهبران کُرد در برلین در سال ۱۹۹۲ و مقصربودن در بازداشت دانشجوی مذکور در ایران.

کمتر از چهار هفته بعد از خبری‌شـدن شکایت دانشجوی چینی-آمریکایی علیه دانشـگاه پرینستون و موسویان، گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» در ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲ برابر با ۲۳ دی ۱۴۰۰ طی نامه‌ای به رئیس دانشگاه پرینستون خواستار اخراج فوری موسویان از دانشگاه پرینستون شد. در این نامه آمده است:

«موسـویان در تشییع جنازه سـردار سلیمانی شـرکت کرده و از او حمایت کرده اسـت. موسویان گفته که آمریکا و ایران باید دسـت از تهدیدات متقابل و استفاده از زور بردارند اما از سلیمانی که علیه آمریکا و اتباع آمریکا به زور متوسل شده حمایت کرده که به‌عنوان یک تروریسـت بین‌المللی مورد تحریم بوده اسـت. لذا دانشـگاه پرینسـتون هیچ‌گاه نباید موسویان را اسـتخدام می‌کرده است. موسویان در حکومت ایران مسـئولیت‌های متعددی داشـته است. در دوران سفارت موسـویان در آلمان، سـرویس اطلاعاتی ایران رهبران کُرد را در برلین ترور کرد. ظریف چند سـال قبل در مصاحبه‌ای گفت موسـویان متعهد به منافع کشورش است و با تمام ظرفیت در این جهت کار می‌کند. این اعتراف آقای ظریف بسـیار آزاردهنده اسـت... لذا ما از دولت آمریکا و تمام افراد و مؤسسـات حقوقی آمریکا می‌خواهیم تا زمانی که موسویان در دانشـگاه پرینسـتون کار می‌کند، تمام پرداخت‌های مالی به این دانشگاه برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی را لغو کنند. ما به دانشگاه پرینستون مهلت می‌دهیم که تا ۱۷ فوریه پاسخ بدهد که آیا موسویان را اخراج می‌کند یا خیر». یک روز بعد در ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲ برابر با ۲۳ دی ۱۴۰۰، «مجمع خاورمیانه آمریکا» وابسـته به لابی صهیونیسم، طی بیانیه‌ای از مردم آمریکا خواسـت «برای پایان‌دادن به جهت‌گیری‌های اسلامی و ضداسرائیلی و ضدغربی، به دانشگاه پرینستون آمریکا به خاطر حضور آقای موسویان کمک مالی نکنند».

چند روز بعد از این نامه در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۲ برابر با ۲۹ دی ۱۴۰۰، روزنامه هاآرتص اسـرائیل در گزارشـی با ذکر اظهارات مأموران سـازمان‌های اطلاعاتی سیا و موساد علیه موسویان نوشت: «موسـویان مارمولکی است که مرزهای خود را می‌داند. یک افسـر ارشد سابق اطلاعاتی اسرائیل که در مورد موسویان بررسی‌های خوبی دارد، به هاآرتص گفت: او یک عامل تبلیغاتی ایران است». به دنبال اظهارات اخیر سیدحسین موسویان محقق مدعو در دانشگاه پرینستون، در حمایت از قاسم سلیمانی، غوغایی در میان ناظران ایران در آمریکا به راه افتاده است... موسویان در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای ثروتمند و تاجر فرش اهل کاشـان به دنیا آمد. این خانـواده با یک جنبش انقلابی با گرایش اسلامی ارتباط نزدیک داشت که حزب جمهوری اسلامی از آن رشد کرد.

انتصاب موسـویان به‌عنوان اسـتاد ارشد دانشگاه پرینسـتون، به او اعتبار و مقام عالی علمی در مؤسسـات تحقیقاتی در آمریکا و اروپا بخشـید و او به یک مدرس و ستون‌نویس مورد تقاضا در مهم‌ترین روزنامه‌های جهان ازجمله نیویورک‌تایمز تبدیل شـد. نورمن رول، مشـاور ارشد سـابق سیا که مدیر اطلاعات این آژانس برای ایران بود، اظهارات موسـویان را «نفرت‌انگیز» خواند. جو لیبرمن، رئیس «گروه اتحاد علیه ایران هسـته‌ای» و سناتور سابق ایالات متحده، اظهارات موسویان را محکوم کرد و از پرینستون خواست فورا او را برکنار کند. لیبرمن گفت: «در زمانی که جامعه اطلاعاتی آمریکا ارزیابی می‌کند که جمهوری اسـلامی برای ایجاد شـبکه‌هایی برای حملات تروریستی به خاک آمریکا تلاش می‌کند، نباید جایی در پرینستون یا هر نهاد دیگر آمریکا برای سفیر موسویان وجود داشته باشد».

برای تشـدید فضاسـازی‌ها، در فوریه ۲۰۲۲ برابر با بهمن ۱۴۰۰، دو دیپلمات ارشد دولت ترامپ طی مقاله‌ای خواسـتار اخراج موسـویان از دانشگاه پرینستون شدند. مورگان اورتاگوس سـخنگوی وزارت خارجه دولت ترامپ و گابریله نورونها دسـتیار ویژه پمپئو در امور برنامه هسـته‌ای ایران در مقاله مشـترکی در روزنامه پرینستونین ضمن حمایت رسمی از درخواست «گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای» مبنی بر اخراج موسویان، نوشـتند: موسویان مدافع ایران بوده و از قاسم سلیمانی حمایت کرده و با توجه با شـکایت حقوقی دانشـجوی چینی-آمریکایی زندانی‌شـده در ایران علیه موسویان و دانشگاه پرینستون، شایسته است که دانشگاه پرینستون موسویان را اخراج کند.

البته چون اتهام دست‌داشـتن موسـویان در تـرور رهبران کُـرد در برلین در ایام مأموریت وی، در تمام گزارش‌های لابی صهیونیسـت و رسـانه‌ها و گروه‌های وابسته اپوزیسـیون ایرانی تکرار می‌شد، پرفسـور فرانک فون هیپل استاد برجسته آمریکایی دانشگاه پرینستون در مقاله‌ای در روزنامه پرینستونین متن ۳۹۸ صفحه حکم دادگاه میکونـوس در مورد ترور برلیـن را در اختیار افکار عمومی جهان قرار داد و نوشـت که در کل این ۳۹۸ صفحه هیچ اتهامی مسـتقیم یا غیرمسـتقیم در مورد موسویان وجود ندارد. پرفسـور فرانک هیپل که آلمانی‌الاصل است، در مقاله خود در روزنامه پرینسـتونین، ریشه دشمنی‌های لابی صهیونیسم علیه موسـویان را فاش کرد. او در مقاله خود نوشت:

«گروه اتحاد علیه ایران هسـته‌ای توسط میلیاردرهایی مثل شلتون ادلسون تأمین مالـی می‌شـود که در سـخنرانی خود گفت آمریکا بایـد با بمب اتم ایـران را مورد حملـه قرار دهد. این گـروه یک جریان افراطی ضد ایران و طرفدار ترامپ اسـت که ضد دیپلماسـی با ایران و حامی خروج آمریکا از برجام بود. موسویان و «گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای» در دو نقطه مقابل قرار دارند. من از سال ۲۰۰۹ شاهد بوده‌ام که موسویان مسیر دیپلماسی و راه‌حل صلح‌آمیز بحران هسته‌ای ایران را تشویق کرده و نهایتا حامی برجام بوده، در حالی که این گروه ضد دیپلماسی و ضد برجام بوده است. خوشـبختانه منطق موسویان بر منطق گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای چیره شد و با توافـق برجام، از یک جنگ جدید در خاورمیانه جلوگیری شـد. اصل ضدیت‌ها علیه موسویان به خاطر همین موضوع است. اتهام محوری علیه موسویان این است که او در ترور رهبران اکراد در سال ۱۹۹۲ دخالت داشته، درحالی‌که در متن ۳۹۸ صفحه‌ای حکم دادگاه برلین، هیچ اتهامی مسـتقیم یا غیرمسـتقیم متوجه موسـویان نیست. موسـویان قبل از آمدن به آمریکا هم در ایران دستگیر و زندانی شد. گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای به یک اصلی متوسـل شده و آن اینکه «اگر نمی‌توانی منطق سیاسی یک نفر شوی، ناطق را با اتهامات جنایی از سر راه بردار». واقعیت این است که جریان جنگ‌طلب در آمریکا حریف منطق موسـویان نشده‌اند و لذا به دنبال ترور شخصیت او هستند».

اما در این روند سـیل مقالات توسط رسانه‌های فارسی ضد ایران همچون ایران اینترنشـنال، کیهان لندن و صدای آمریکا از یک طرف و رسـانه‌های اسرائیل همچون جوروزلم‌پست وابسـته به حزب نتانیاهو، رسـانه‌های آمریکایی جناح صهیونیستی در آمریـکا متعلق به مرداک صهیونیسـم معروف جهانی همچون نیویورک‌پسـت، فاکس‌نیوز و فری‌بیکن و میدل‌ایست‌فوروم ادامه یافت تا اینکه با سخنرانی موسویان در کنگره سالانه فرماندهی آمریکا در آگوست ۲۰۲۳ مرداد ۱۴۰۲، فشارها به اوج رسید.

اما لابی صهیونیسـم بعـد از سـخنرانی موسـویان در فرماندهـی اسـتراتژیک نیروهای مسـلح آمریکا، تلاش کـرد که اقدامات علیه موسـویان را به کنگره آمریکا بکشاند. موسـویان در سـخنرانی خود در حضور ۷۵۰ ژنرال آمریکایی، سیاست‌های چنـد دهه آمریکا در خاورمیانـه و ایران را به نقد کشـید و در پایان نیز هفت توصیه به استراتژیست‌های آمریکا برای اصلاح سیاست‌های خاورمیانه‌ای به این شرح داد:

«۱- بـه جای تحریم و صدور تسـلیحات و نظامی‌کردن منطقـه خاورمیانه، بر همکاری‌های اقتصادی و تکنولوژیک تمرکز کنید.

۲- به سیاست‌های خطرناک مداخله و جنگ و تغییر رژیم در کشورها خاتمه دهید.

۳- روابط دوستانه با همه کشورها برقرار کنید، به جای اینکه با گروهی از کشورها علیه گروه دیگری از کشورها متحد شوید.

۴- روابط مردم با مردم همچون توریسـم و همکاری‌هـای آکادمیک، فرهنگی و اجتماعی را گسـترش دهید، اما بر اسـاس احترام به فرهنگ‌هـا و ارزش‌های مردم خاورمیانه و نه اینکه دنبال تحمیل ارزش‌های آمریکایی و غربی به سایر ملت‌ها باشید.

۵- از ایجاد یک سیسـتم همکاری و امنیت جمعی بین هشت کشور خلیج فارس حمایـت کنید و به جای ایجاد پایگاه‌های نظامـی و صرف هزاران میلیارد دلار، تأمین امنیت منطقه را به خود کشورهای منطقه واگذار کنید.

۶- از خاورمیانه عاری از سـلاح‌های کشتارجمعی به‌طور جدی حمایت کنید. اگر اصول برجام در منطقه خلیج فارس و در قالب سیستم همکاری جمعی اعمال شود، عملا خلیج فارس عاری از سلاح‌های هسته‌ای شکل خواهد گرفت.

۷- برای خاتمه‌دادن به ۴۰ سال خصومت آمریکا با ایران، یک گفت‌وگوی جامع و فراگیر با تهران برقرار کنید و به دنبال روابطی بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله و منافع مشـترک باشید؛ زیرا فهرست موضوعات مورد منافع مشترک بین ایران و آمریکا طولانی است.

آمریکا امروز به یک اسـتراتژی جدید بر مبنای «عدم مداخله»، «عدم تلاش برای تغییر رژیم»، «عدم نقض حاکمیت ملی کشورها» و «احترام متقابل» نیاز دارد نه اینکه به دنبال کنترل همه افراد در همه جهان باشد».

انتقادهای شجاعانه و صریح و پیشنهادهای کلیدی و استراتژیک موسویان در جمع ژنرال‌های آمریکا جنجالی به پا کرد.

نشـریه فری‌بیکن آمریکا حامی سرسـخت صهیونیسـم در گزارش ۲۹ آگوست ۲۰۲۳ برابر با هفتم شهریور ۱۴۰۲ خود نوشت: «موسویان در جمع فرماندهان آمریکا سیاسـت‌های آمریکا را به باد انتقاد کشید، ترامپ را به خاطر خروج از برجام و کشتن قاسم سلیمانی سرزنش کرد و از آمریکا خواست به سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران خاتمه داده و سیاسـت‌هایش در خاورمیانه را تغییـر دهد. جیم بانک، نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا، به فری‌بیکن گفت: کمک‌های موسویان به رژیم جنایتکار ایران باعث شـد که این رژیم به بمب هسته‌ای دست یابد که می‌تواند موجب نابودی آمریکا و متحدین آمریکا شود».

نشـریه‌های صهیونیسـتی ازجمله «جوئیش‌نیوز» بلافاصله گزارش فری‌بیکن را بازنشر دادند. نکته درخور توجه اینکه چند ماه قبل از این نوع موضع‌گیری‌های اعضای کنگره آمریکا، دانشجوی چینی-آمریکایی با حمایت «گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای» در دفتر جیم بانک، عضو کنگره، مشغول به کار شده بود تا با تشریح دوران بازداشتش در زندان اوین برای نمایندگان کنگره، فضا را برای اقدام کنگره علیه موسـویان فراهم کند.

ایران‌اینترنشنال ۱۰ شهریور ۱۴۰۲ برابر با اول سپتامبر ۲۰۲۳، نامه دو عضو برجسته جمهوری‌خواه کنگره آمریکا به فرماندهی اسـتراتژیک ارتش آمریکا را منتشـر کرد. مایـک راجرز، رئیس کمیته نیروهای مسـلح مجلس نماینـدگان و راجر ویکر، عضو کمیته نیروهای مسـلح سـنای آمریکای کنگره طی نامه‌ای به فرماندهی استراتژیک آمریکا ضمن محکوم‌کردن دعوت از موسویان، خواستار توضیح این فرماندهی شدند. فرماندهی استراتژیک آمریکا هم در پاسخ در دفاع از دعوت موسویان گفت که ما برای شنیدن نظرات موافق و مخالف، از سخنرانان مختلف دعوت می‌کنیم.

اما فشـار لابی صهیونیست در حدی گسـترش یافت تا اینکه در نیمه اکتبر ۲۰۲۳ یعنی چند روز بعد از حمله حماس به اسـرائیل در هفتم اکتبر و نمودارشدن فضای ضد اسرائیلی در افکار عمومی غرب، کنگره آمریکا تحقیق و تفحص در مورد موسویان را رسما اعلام کرد. ۱۲ عضو کمیته آموزش عالی مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به رئیس دانشـگاه پرینستون ۱۰ سؤال درباره موسـویان مطرح کردند ازجمله اینکه آیا دولت خارجی (ایران) حضور موسـویان را در دانشگاه پرینستون تأمین مالی کرده است؟

این اولین بار در تاریخ کنگره آمریکاسـت که این کنگره در مورد یک ایرانی، پروسه رسمی و قانونی تحقیق و تفحص را انجام داده است. اما نکته کلیدی این تحرکات آن است که متن نامه‌های کنگره آمریکا در سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) کپی‌شده از متن نامه گروه صهیونیستی «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به رئیس دانشگاه پرینستون در ژانویه ۲۰۲۲ اسـت. این مطالب نشان می‌دهد که لابی صهیونیسـت‌ها عامل اصلی ورود کنگره آمریکا به فعالیت‌های موسویان است.

بنیامیـن وایتنـال از رهبـران بنیاد صهیونیسـتی دفـاع از دموکراسـی‌ها که در بیت‌المقدس مسـتقر اسـت، در چند سال گذشـته مقالات متعدد و گسترده‌ای علیه موسویان در شبکه‌های رسانه‌ای صهیونیستی همچون جوروزلم‌پست، ایران‌اینترنشنال، فاکس‌نیوز و میدل‌فوروم منتشر کرده است. ریشه اصلی لابی صهیونیسم در اقدامات علیه موسویان به این دلیل است که در ۲۰ سال گذشته خط تبلیغاتی آنها بر این چند محور متمرکز بوده است:

● فریـب افـکار عمومی آمریـکا و جهان درباره برنامه هسـته‌ای ایران و گسـترش ایران‌هراسی

● جلوگیری از آگاهی‌های بین‌المللی درباره خطر بمب هسته‌ای رژیم صهیونیستی به منظور حفظ برتری تسلیحاتی رژیم صهیونیستی

● بسیج افکار عمومی جهت متقاعدسازی رهبران آمریکا برای حمله نظامی به ایران

● رایزنی، زمینه‌سـازی و پیگیری اهداف موساد و رژیم صهیونیستی در غرب با هدف افزایش تضادهای ایران و آمریکا

● تلاش برای ایجاد شورش داخلی در ایران

● شکل‌دادن اتحاد عبری-عربی در منطقه علیه ایران.

اما موسویان در ۱۵ سال گذشته با صدها مصاحبه با مهم‌ترین رسانه‌های آمریکا و غرب مانند نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، لس‌آنجلس‌تایمز، گاردین، لوموند، فرانکفورتر آلگماینه، سـی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، الپائیس و فرانس ۲۴، حضور چشمگیر در مهم‌ترین اندیشکده‌های آمریکا و اروپا و جهان عرب و انتشار پنج کتاب توسط مهم‌ترین ناشران اروپا و آمریکا، عواقب منفی سیاسـت جنگ و تحریم و فشـار و تغییر رژیم در ایران را برای افکار عمومی جهان غرب تشـریح و تبیین کـرد. علاوه بر آن، او راهکارهای حل صلح‌آمیز بحران هسته‌ای، کاهش تخاصمات آمریکا و ایران، عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای و کشتارجمعی شامل نابودی سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل و ایجاد دوسـتی و مشارکت با کشورهای همسایه خلیج فارس از طریق سازمان‌دادن سیستم همکاری‌های جمعی در خلیج فارس را به افکار عمومی آمریکا و جهان ارائه کرد.

البته پیمودن چنین مسـیری، فوق‌العاده پیچیده و دشـوار بود. بـرای نمونه، در یک اتفاق عجیب، لابی صهیونیسـم در واشنگتن انتشار کتاب عاری‌سازی خاورمیانه از سـلاح‌های هسته‌ای را در شـرایطی متوقف کرد که کتاب توسط مؤسسه بروکینگز آمریکا زیر چاپ بود و این مؤسـسه انتشار کتاب را هم رسـما اعلام کرده بود. بعد از توقف چاپ کتاب، مؤسسـه بروکینگز به موسویان نوشت که از انتشار کتاب معذور اسـت، چون افراد صاحب‌نظری آن را مطالعه کرده‌اند و معتقدند که سرتاپای کتاب شـما ضد برنامه هسته‌ای اسـرائیل و توجیه و دفاع از برنامه هسـته‌ای ایران است. بروکینگز از موسویان خواسـت که محتوای کتاب را تعدیل کند کـه او زیر بار نرفت و قرارداد خود را با بروکینگز لغو و کتاب را توسـط «مؤسسـه راتلج» و نشر «تایلور او فرانسـیس» که از بزرگ‌ترین مؤسسات انتشـاراتی جهان مستقر در انگلستان هستند، منتشر کرد.

ایـن تلاش‌ها نه‌تنها مخل اهـداف و برنامه‌هـای لابی صهیونیسـت و جریان جنگ‌طلـب در آمریکا بود، بلکه در حدی در افکار عمومی آمریکا و جهان غرب مؤثر بود که تصمیم به ترور شخصیت وی گرفتند.

لابی صهیونیسـت، گروه‌های جنگ‌طلب ایران به سـرکردگی منافقین را نیز برای تخریب شخصیت موسویان به استخدام درآورد. برای نمونه حسن داعی برنامه‌های متعدد تلویزیونی علیه موسویان به راه انداخت.

باشـگاه خبرنگاران در گزارشـی به نقل از خبرگزاری فارس می‌نویسـد: «تمامی فعالیت‌هـا، ارتباط‌گیری‌ها و روابط گروهک رجوی در آمریکا توسـط سـه عنصر این گروهک صورت می‌گیرد که از اعضای رده‌بالا و سابقه‌دار منافقین هستند. یکی از این سه عضو «حسن داعی‌السلام» است که سال‌هاست در آمریکا سکونت دارد و به‌عنوان یکی از اعضای فعال رجوی، مأمور نفوذ در رسانه‌های آمریکاست و به‌عنوان کارشناس سیاسـی در شبکه‌های ماهواره‌ای آمریکا ظاهر می‌شـود. یکی دیگر از مأموریت‌های سپرده‌شده به این شخص، ارتباط‌گیری با رضا پهلوی است تا در مواقع ضرورت و پشت پرده بتواند هماهنگی و ارتباط میان گروهک منافقین و جریان سـلطنت‌طلب را علیه جمهوری اسلامی برقرار کند. اما مهم‌ترین وظیفه‌ای که به داعی‌السلام محول شده به ارتباط وی با شخصیت‌های سیاسی جنگ‌طلب آمریکایی مربوط است؛ وی مأموریت دارد ابتدا با صرف هزینه و انجام لابی‌های گسترده در آمریکا برخی نمایندگان تندرو آمریکایی را برای حمله نظامی به ایران متقاعد کند و سیاسـیون بازنشسته و اصحاب رسـانه در این کشور را برای پرداختن و صحبت در موضوع ضرورت حمله نظامی به ایران تحریک کند».

صدها نمونه مشـابه وجود دارد ازجمله فرهاد رضایی، عضو گروه صهیونیستی «فیلو پروجکت» که در روزنامه جوروزلم‌پسـت اسـرائیل مقاله‌ای علیه موسویان و دانشـگاه پرینستون نوشت. مجید محمدی هم طی مقاله‌ای در ایران‌اینترنشنال همه محورهای اتهامی لابی صهیونیسـت همچون دسـت‌داشـتن در تـرور میکونوس و ترورهایی داخل کشـورهای اروپایی را تکرار و نوشـت: موسویان مدافع منافع ایران و حامی برنامه هسـته‌ای ایران و برجام بوده و مکرر تأکید کرده برنامه هسـته‌ای ایران صلح‌آمیز است.

در حقیقت این برنامه تخریبی علیه موسویان از دوران ریاست‌جمهوری اوباما آغاز شـد؛ چون تلاش‌های وی در افکار عمومی آمریکا و غرب در تسـهیل مسیر حصول راه‌حل بحران هسـته‌ای از طریق دیپلماسی با تأکید بر حق بهره‌مندی ایران از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و ضرورت رفع تحریم‌ها علیه ایران، تأثیرگذار بود.

موسـویان در سـال ۲۰۱۲ برابر ۹ فروردین ۱۳۹۰ در کنفرانس جهانی هسته‌ای در واشـنگتن و در حضور حدود ۸۰۰ نفر از مقامات عالی‌رتبه، دانشمندان و متخصصان هسته‌ای جهان، طرح ۹ماده‌ای برای حل بحران هسته‌ای را ارائه کرد که تمام اصول آن در توافق برجام مدنظر قرار گرفته اسـت. او در مقالـه‌ای که در خبرگزاری رویترز منتشر شد، ۲۰ دلیل برای اشتباه‌بودن حمله نظامی به ایران ارائه کرد. وی همچنین در نشست دانشمندان هسته‌ای جهان در برلین، ۲۰ دلیل در اثبات صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران ارائه کرد.

موسویان در سخنرانی‌ها و مقالات خود درباره عواقب منفی تحریم‌ها علیه ایران تلاش ویژه به خرج داد. برای نمونه در نشریه المانیتور ۱۲ دلیل درمورد عواقب منفی تحریم‌ها علیه ایران ارائه کرد. نشریه المانیتور که وابسته به امارات متحده عربی است بعد از خروج ترامپ از برجام، موسویان را در لیست سیاه خود قرار داد و از ادامه انتشار مقالات موسـویان خودداری کرد، چون دولت امـارات تصمیم گرفت در اتحاد علیه ایران با آمریکای ترامپ و نتانیاهو مشارکت کند.

مقاله موسـویان در روزنامه فایننشـال‌تایمز در ابتدای دولـت اوباما تحت عنوان «آنچه که جان کری باید بداند» انعکاس مهمی در رسـانه‌های جهان داشـت. او در این مقاله نوشـت: «ایران از مذاکره جدی در صورتی که بر مبنای حسـن نیت باشد، استقبال می‌کند؛ مذاکراتی بر مبنای شرایط مساوی و بدون چشم‌انداز تهدیدکننده. لذا اوباما و کری باید اقداماتی فراتر از پیشنهاد مذاکره انجام دهند. آنها باید زبان تهدید و رفتار خصمانه را کنار بگذارند. تنها پس از این اقدامات اسـت که دیپلماسی اثرگذاری خود را آغاز می‌کند».

توصیه موسـویان بـه قدرت‌های جهانـی در مصاحبه‌های متعـدد با مهم‌ترین رسـانه‌های جهان مثل رویترز و سـی‌ان‌ان، درباره تلاش قدرت‌های جهانی برای یک معامله هسـته‌ای بر اسـاس «معامله الماس در مقابل بادام‌زمینـی» نیز انعکاس فوق‌العاده زیادی در رسانه‌های جهان داشت.

این تلاش‌ها موجب شد در ۲۱ فوریه ۲۰۱۶ برابر با ۲۱ بهمن ۱۳۹۴، سازمان منافقین طی نامه به اوباما رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد «مأموریت اصلی موسویان تشکیل یک شـبکه فعال ترور و گسـترش عملیات جمهوری اسـلامی در آمریکا و براندازی حکومت در آمریکاست».

سازمان منافقین خلق که فعالیت‌های گسترده‌ای برای ممانعت از توافق هسته‌ای داشت، در نامه‌ای نوشت: «جمهوری اسلامی یک کرسی در دانشگاه پُرپرستیژ آمریکا، دانشگاه پرینستون، خریداری و موسویان را به‌عنوان پژوهشگر مطالعات اسلامی عازم آمریکا کرده اسـت». سازمان منافقین با پرفسـور ترور خواندن موسویان، خشم خود را از سخنرانی‌ها و روشنگری‌های موسـویان در مؤسسات علمی و آکادمیک و مراکز نظامی آمریکا آشکار کرده و خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا نوشت «مأموریت اصلی او تشـکیل یک شـبکه فعال ترور و گسترش عملیات جمهوری اسـلامی و براندازی حکومت در آمریکاست».

منافقین در این نامه با انتقاد از ذوب‌شـدن یخ روابط واشنگتن با تهران، از احتمال بازگشایی سـفارت ایران در واشـنگتن ابراز نگرانی کرده و مدعی شده‌اند: «بازگشایی سفارت ایران در واشـنگتن و پذیرش چنین شخصی به‌عنوان سفیر در آمریکا، امنیت ملی شهروندان آمریکا و منافع ملی آمریکا را به خطر خواهد انداخت».

گروه سلطنت‌طلب‌های افراطی طرفدار جنگ و تحریم علیه ایران نیز در این کارزار فعال شدند. در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ نیز گروهی از سران این اپوزیسیون، طی نامه‌ای به ویلیام بار، دادسـتان کل ایالات متحده، خواستار اخراج موسویان از آمریکا شدند. آنها در نامه سرگشاده‌ای که در روزنامه صهیونیستی نیویورک‌پست منتشر شد، نوشتند: «موسویان مصاحبه‌های بسیاری کرده که در شبکه‌های خبری پخش و مدام با دفاع از رژیم ایران دسـتورات ملاها را اجرا کرده و حتی امروز هم شـاهدیم نظرات خود را می‌نویسـد و از منافع رژیم ایران دفاع می‌کند و به انتقاد از سیاسـت خارجی دولت ترامپ می‌پردازد».

در این گزارش آمده «موسویان در دوران باراک اوباما عضو ثابت تیم‌های مختلفی بود که توسـط اتاق فکرهای واشـنگتن تشکیل می‌شـدند. او مصاحبه‌های بسیاری می‌کرد که در شـبکه‌های خبری پخش می‌شد. حتی امروز هم شاهدیم نظرات خود را می‌نویسـد و از منافع رژیم ایران دفاع می‌کند و به انتقاد از سیاست خارجی دولت ترامپ می‌پردازد... اکنون که دونالد ترامپ از توافق اتمی خارج شده «هیچ معنایی» ندارد که موسـویان در خاک آمریـکا بماند... حضور موسـویان در خاک آمریکا هیچ هدفی ندارد مگر پیشـبرد ایدئولوژی و منافع دشمن آمریکا و همچنین تفرقه‌افکنی و هراس‌افکنی در جامعه ایرانیان مقیم آمریکا و کاشـتن بذر هراس و تفرقه‌افکنی در میان جامعه ایرانیان آمریکایی». به گزارش کیهان لندن، رضا بهروز، پیتر کهن‌لو، احمد باطبی و رویا حکاکیان از امضاکنندگان این نامه‌اند.

امـا بعد از گسـترش اعتراضات جهانی در مـورد جنایات اسـرائیل در غزه، بنیاد صهیونیسـتی دفاع از دموکراسی‌ها خط تبلیغاتی جدیدی علیه موسویان آغاز کرد و مقالات متعددی علیه موسویان به‌عنوان حامی گروه‌های جبهه مقاومت ضد اسرائیل منتشـر کرد. بنیامین وایتنـال، مدیریت این خط جدید تبلیغاتـی جدید را نیز بر عهده داشـت. او در مقاله‌ای که در فاکس‌نیوز آمریکا منتشر کرد، به یک مصاحبه موسویان با نشـریه تاتز آلمان در سال ۱۹۹۷ یعنی حدود ۲۷ سال پیش استناد کرد که او در این مصاحبـه گفته بود که دولت ایران از گروه‌های حمـاس و حزب‌الله حمایت معنوی می‌کند.

بنیامین وایتنال در سال ۲۰۲۴ برابر با ۱۴۰۳ اتهام جدیدی علیه موسویان مطرح کرد. او طی گزارشـی که در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۳ تیر ۱۴۰۳ در روزنامه جوروزلم‌پسـت اسـرائیل منتشـر کرد به نقل از علیرضا نادر، کارمند «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» که موسـویان مدرس دانشگاه پرینستون طرفدار دسترسی ایران به بمب هسته‌ای است. درحالی‌که تمام مقالات موسویان در ۱۵ سال گذشته، تأکید بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسـته‌ای ایران بوده و سه کتاب موسـویان تحت عناوین «بحران هسـته‌ای ایران»، «عاری‌سازی خاورمیانه از سـلاح‌های کشتارجمعی» و «ساختار جدید برای امنیت و همـکاری جمعی در خلیج فارس»، تماما در مورد مخالفت ایران با بمب هسـته‌ای و ضرورت ایجاد خاورمیانه و خلیج فارس از سـلاح‌های هسته‌ای و کلیه سلاح‌های کشتارجمعی است که در هر سه کتاب راهکارهای مفصلی را ارائه کرده است.

گروه‌های وابسته با لابی صهیونیسم و سازمان منافقین همچون گروه «اتحاد علیه توجیه‌گران رژیم جمهوری اسلامی ایران» نیز علیه موسویان فعال هستند. مدیریت این گروه بر عهده فردی به نام لادن بازرگان اسـت. او طی مصاحبه‌های خود گفته که از ایران فرار کرده و برادرش در دهه ۸۰ نیز در ایران اعدام شده است. برادر وی به خاطر عضویت در گروهک‌های تروریستی حامی تجاوز صدام به ایران اعدام شد، درحالی‌که برادر موسـویان به نام شهید سیدعباس موسویان در دوران جنگ تحمیلی و در دفاع از خاک ایران به شـهادت رسـید. این گروه در بیانیه‌ای از دانشگاه پرینستون آمریکا خواسـت که موسویان را فورا از این دانشگاه اخراج کند. بنیامین وایتنال فعالیت‌های این گروه علیه موسویان را در شـبکه‌های رسانه‌ای صهیونیسم به‌طور کامل پوشش داد و شبکه‌های فارسی‌زبان ایران‌اینترنشنال و کیهان لندن و صدای آمریکا نیز همه مصاحبه‌ها و بیانیه‌های این گروه را با آب‌وتاب خاصی منتشر کردند.

گـروه «اتحاد علیـه توجیه‌گران رژیم اسـلامی ایران» فراخـوان تظاهراتی علیه موسویان در روز جمعه ۲۶ آوریل ۲۰۲۴ (۷ اردیبهشـت ۱۴۰۳) در مقابل دانشـگاه پرینسـتون داد. بنیامین وایتنال طی دو ماه این فراخوان را در رسـانه‌های متعدد لابی صهیونیسم ازجمله جوروزلم‌پست، فاکس‌نیوز و نیویورک‌پست تبلیغ کرد و رسانه‌های فارسی‌زبان همچون کیهان لندن و ایران‌اینترنشنال نیز سرمایه‌گذاری وسیعی کردند تـا بتوانند یک تظاهرات چندهزارنفری به راه اندازند. شـبکه صـدای آمریکا هم این تظاهرات را پوشش زنده داد. اما بعد از دو ماه تبلیغات وسیع شبکه‌های صهیونیستی برای شرکت در تظاهرات «فراخوان بزرگ اخراج موسویان از دانشگاه پرینستون»، تنها حدود ۳۰ نفر در این تجمع شرکت کردند!

بنیامین وایتنال در چهارم می ۲۰۲۴ برابر با پنجم اردیبهشـت ۲۰۲۴، طی گزارشی که در جوروزلم‌پست اسرائیل با تیتر «دانشگاه پرینسـتون به پرفسور حامی حماس و حزب‌الله و ترور چسـبیده»، منتشـر کرد، دانشگاه پرینسـتون را به خاطر عدم اخراج موسویان شدیدا مورد حمله قرار داد.

متعاقبا رسـانه آمریکایی «سمافور» که از حامیان سرسخت صهیونیسم است روز پنجشـنبه ۲۰ اردیبهشـت ۱۴۰۳ برابر با ۹ می ۲۰۲۴ طی گزارشـی به نقش دانشگاه پرینسـتون در ایالـت نیوجرسـی در تسـهیل نفوذ جمهوری اسـلامی پرداخت و فعالیت‌های حسین موسویان در این دانشگاه را زیر سؤال برد. پایگاه خبری «سمافور» در گزارش مدعی روابط نزدیک دانشگاه پرینستون با مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر شد و می‌گوید «دانشگاه پرینستون در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما قصد داشـت نقش یک بازیگـر محوری را در ترمیم روابط تهران و واشـنگتن ایفا کند».

به دنبال این گزارش، مدیرگروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» طی یک بیانیه رسمی، خواستار تحقیقات فدرال آمریکا دراین‌باره شد و مجددا از دانشگاه پرینستون خواست همکاری خود را با حسـین موسـویان قطع کند. در بیانیه که توسـط صدای آمریکا منتشـر شـد، آمده: «دانشگاه‌های آمریکایی باید مراکز یادگیری باشند، نه کانال‌هایی برای دسـتورکارهای خارجی. گزارش امروز سمافور نشان می‌دهد که چگونه دولت ایـالات متحده در مقابله با عملیات نفوذ جمهوری اسلامی در خاک ایالات متحده عقب است.

انبوهی از گزارش‌ها در سـال گذشـته -از تعلیق رابرت مالی نماینده ویژه ایالات متحـده در امور ایران گرفته تا افشـای «ابتکار کارشناسـان ایران» و نقش دانشـگاه پرینستون به‌عنوان پلتفرمی برای ترویج منافع جمهوری اسلامی- ضرورت یک تحقیق رسمی کنگره را نمایان می‌کند».

یـک نمونه دیگر از ده‌ها مورد، تلاش‌های اخیر لابی صهیونیسـت برای ممانعت از حضور موسـویان در کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی است. موسویان در نیمه ۲۰۲۴ (خرداد ۱۴۰۳) در اندیشـکده کوربر آلمان سخنرانی داشت. بنیامین وایتنال طی گزارش‌های متعدد در رسـانه‌های صهیونیستی همچون جوروزلم‌پست ضمن محکوم‌کردن این اندیشکده آلمانی برای دعوت از موسویان، این اندیشکده را متهم به حمایت از نازیسم کرد و از دولت آلمان خواست که ورود موسویان به آلمان را به‌طور دائم ممنوع کند. این گزارش به نقل از دانیل کیلی عضو هیئت‌رئیسه جامعه یهودیان آلمان نوشت که دعوت کوربر از موسویان غیر قابل تحمل است و دعوت‌کنندگان باید پاسخ‌گو باشند.

بعد از سـخنرانی موسویان در اندیشکده کوربر، مینا احدی تظاهراتی در هامبورگ علیه این اندیشـکده برگزار کـرد که طبق گفته خود او فقط ۱۰ نفـر در این تظاهرات شرکت کردند. منتها بنیامین وایتنال در گزارشی در ایران‌اینترنشنال ضمن انعکاس این تظاهرات و تکرار ادعاهای قبلی در مورد موسویان، نوشت که ۴۰ نفر در این تظاهرات شـرکت کردند. وایتنال در این گزارش با یکی از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات به نام فرح مدائن گفت‌وگو کرد و نوشت که سه برادر و یک خواهر فرح مدائن در مبارزات مسلحانه دهه ۸۰ علیه حکومت در ایران اعدام شدند.

مینا احدی و شوهرش نیز در مبارزات مسلحانه سازمان‌های تروریستی منافقین و کومله شـرکت داشتند. او پس از انقلاب به‌عنوان دانشجوی دانشکده پزشکی تبریز از دانشگاه اخراج شد. شوهرش اسماعیل یگانه‌دوست از اعضای حزب کومله کردستان بود که اعدام شـد. او پس از اعدام همسـرش، در سال ۱۳۶۱ عازم کردستان شد. بعد از ۱۰ سـال فعالیت در حزب کومله، وی در سال ۱۳۶۹ به کشور اتریش پناهنده شد و شـش سـال بعد به آلمان آمد که در آن کماکان زندگی و فعالیت می‌کند. او همچنین از فعالان سابق حزب کمونیست ایران بوده است. سازمان «اتحاد جهانی ملحدان» در وب‌سـایت خود ضمن معرفی مینا احدی می‌نویسد: «او توسط حکومت ایران به اعدام محکوم شـده بود که بعد از ۱۰ سـال جنگ مسلحانه علیه ایران، در سال ۲۰۰۱ به اتریش متواری شـد و «کمیته جهانی ضد سنگسـار» را تأسیس کرد». مینا احدی علیه مرکز اسـلامی هامبورگ هم شکایتی به دادستانی آلمان ارائه کرد که موجب تعطیلی این مرکز شد.

این یک نمونه مسـتند و آشکار از به‌کارگیری افراد و گروه‌های تروریستی ایرانی مقیم کشورهای غربی توسط لابی صهیونیسم در جهت ترغیب غرب به جنگ و تحریم علیه ایران از طریق جوسازی‌های منفی علیه ایران و خفه‌کردن ایرانی‌های وطن‌پرستی است که در صحنه دیپلماسی عمومی و افکار عمومی جهان علیه جنـگ و تحریم نقش مؤثری ایفا کرده و می‌کنند. متأسـفانه هیچ‌کدام از دولت‌هـای بعد از انقلاب، به چنین واقعیت‌های ملموس و مهمی و اهمیت دیپلماسی عمومی توجهی نداشتند و کارنامه آنها صفر است. شاید عباس عراقچی بتواند در این مورد تحولی به وجود آورد.

*منابع در دفتر روزنامه موجود است.

یادداشت

اعتماد به وزیران
یا اعتماد به برنامه‌ها؟

لطفعلی عاقلی
دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت‌مدرس

بالاخره پس از چند هفته بررسی سوابق و صلاحیت‌های نامزدهای وزارت در شـوراها و کمیته‌های مشـورتی و با تایید شورای راهبری منتخب، در روز یکشـنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ اسـامی ۱۹ وزیر پیشنهادی برای دوره چهاردهم ریاست‌جمهوری، رسما از سوی رئیس‌جمهور محترم به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. مطابق روال و سنت رایج، ابتدا وزیران پیشنهادی با حضور در کمیسیون‌های تخصصی و مرتبط، برنامه‌های خود را با کمک کارشناسان معتمد و معاونان پارلمانی ارائه و تشریح می‌کنند تا نقـاط ضعف و قـوت و جهت‌گیری‌های کلـی برای نماینـدگان محترم مجلس، تشریح و شفاف‌سازی شود.

صرف‌نظر از اینکه ترکیب اعضای پیشنهادی کابینه آتی، با نقدهای موافق یا مخالف روبه‌رو شده اسـت و به نظر می‌رسد بر اساس برخی روایت‌ها، نامزدهای وزارتخانه‌های مختلف اغلب انتخاب‌های دوم، سـوم و به بعد شورای راهبری مورد وثوق آقای دکتر پزشکیان هستند، گام مهم‌تر بررسی صلاحیت‌هـا و قابلیت‌های این نامزدها و برنامه‌های آنهاسـت. منظور از نگارش این متن، توجه‌دادن دولتمـردان و نمایندگان محترم به برنامه‌ها از نظـر قابلیت عملیاتی، تامین منابع و نیروی انسـانی، فرصت‌ها و موانع احتمالی اجرای برنامه‌ها، سـازگاری درونی برنامه‌ها و سـازگاری کلان و هماهنگی بین برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف است.

نظـر به اینکه کلیت نظـام با اجزا و مؤلفه‌هـای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی شـناخته می‌شـود، هرگونه ناسـازگاری، ناهماهنگی و تک‌محوری، سـبب آسـیب‌زدن به موفقیت دولت و نظام می‌شـود. از ایـن‌رو کمیسـیون‌های تخصصی و فراکسـیون‌های مجلس شـورای اسـلامی، بیشترین رسالت و مسـئولیت را در بررسی، ارزیابی و پرسشگری از نامزدهای وزارتخانه‌ها دارند. در این زمینه می‌توان به تجربه کمیسیون تلفیق در روند بررسـی و تصویب برنامه پنج‌سـاله اشاره کرد. اعضای این کمیسـیون بنا بر تجربه، اشراف بیشتری راجع به مفاد و موضوعات برنامه داشته و روی حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و عمرانی و... نظرات تخصصی‌تری دارند؛ هرچند مأموریت این کمیسیون پس از تصویب قانون برنامه توسـعه خاتمه می‌یابد. توصیه این نوشتار این است که نمایندگان محترم در بررسـی برنامه‌های پیشنهادی، اولا انطباق آنها با سیاست‌های کلی نظام و ثانیا هماهنگـی بیـن برنامه‌ها را در اولویت قـرار دهند. اگر چنین شود، دیگر نیازی به عقد تفاهم‌نامه‌های بعدی بین وزارتخانه‌ها در یک‌سری امور اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی نخواهد بود. برای نمونه، یکی از وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور در دوره تبلیغات انتخاباتی، رسیدگی به فیلترینگ شبکه‌های مجازی بوده است.

حـال باید دقت و کنترل شـود که انجـام این وعده از سـوی وزارت ارتباطات و با هماهنگی شـورای فضای مجازی چگونه برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت فرهنگ و ارشـاد اسلامی را تحت تاثیـر قرار می‌دهـد؟ یا اگر قرار اسـت وزارت صنعت، معـدن و تجارت، سیاست‌گذاری صنعت خودرو و دیگر صنایع پیشرو را دنبال کند، نقش و جایگاه شورای رقابت چگونه تعریف می‌شود؟ در همین زمینه باز می‌توان پرسید که ارتباط ارگانیک وزارت امور اقتصادی و دارایی در ابعاد بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی، مالیات، بیمه و گمرکات با سیاست‌ها و برنامه‌های اصناف و صنایع و بخش تجاری چیسـت؟ سـؤالات مهم‌تری را می‌توان بـر اسـاس برنامه‌های پیشـنهادی مطـرح کرد. بـرای مثـال، نقش وزارت نفـت در تامیـن مالـی پروژه‌های کلان در شـرایط تـداوم تحریم یـا توقف تحریم‌ها چیسـت؟ به‌طور مشـخص، در هر یـک از حوزه‌های مهـم، ارزیابی‌های کلی‌تر بـرای رای اعتمـاد به برنامه‌ها و نـه وزیران، ضرورت دارد:

الف- حوزه اقتصـادی: در این حوزه، افزایش کارایـی اقتصادی مبتنی بر شـفافیت و رقابت، موجبات کاهش فسـاد اقتصادی را فراهم می‌کند؛ در نتیجه باید تاکید بر تولید ثروت باشد تا توزیع ثروت.

ب- حـوزه اجتماعی: مشـارکت زنان در عرصه‌هـای فعالیت اقتصادی، رفع تبعیض جنسیتی در حوزه اشـتغال و امور اجتماعی، مشارکت فعال در حوزه سیاسـت و تشـکیل نهادهای مدنی و صنفی ویژه زنان، کاهش نابرابری‌هـای اجتماعـی بین مناطق، رفـع ناهنجاری‌هـای اجتماعی و آزادی‌های مشـروع و موارد مشـابه از مطالبات اجتماعی اسـت. برنامه پیشنهادی باید برای تقابل بیـن دولت-ملت در قالب طرح‌هایی نظیر عفاف و حجاب، طرح نور و تفکیک جنسـیتی در دانشگاه‌ها و محیط کار، پاسخ داشته باشد.

ج- حـوزه فرهنگی: فرهنـگ و هنر از حوزه‌هایی هسـتند که با خلاقیت، اسـتعداد ذاتی، علاقه و شـوق فـردی، روح و روان زلال و الهام‌بخش و گاهی با پیشـینه خانوادگی شـناخته می‌شـوند. در این راسـتا، محیط و زمینه مناسب عمومی و خانوادگی، مشـوق و محرک فعالیت فرهنگی و هنری به شـمار می‌رود. بـه همین دلیل، آثار مهـم و ماندگاری در حوزه کتاب و ادبیات، سـینما و تئاتر، نقاشـی، خطاطی، صنایع دسـتی و دیگر فعالیت‌ها در کشـور تولید شـده و پرتوهای تابان برخـی آثار به خارج از مرزهای ملی کشیده شده است. روح حاکم بر فرهنگ و هنر، آزاداندیشی اسـت. نامزد پیشـنهادی باید در قبـال تولید آثار فاخر هنـری، رفع انواع ممیزی‌ها و سانسـورهای اغلب بی‌مورد در حـوزه فیلم، نمایش و کتاب و دربـاره اجرای جشـنواره‌های فرهنگـی و برگزاری کنسـرت‌ها برنامه داشته باشد.

د- حوزه سیاسی: بده‌بسـتان و تعامل با اقتصادهای دیگر از ضرورت‌ها و الزامات زیسـت در دنیای کنونی است. پیش‌شرط این تعامل، ترمیم روابط سیاسـی بین‌الملل، پیگیری گفت‌وگوهای برجام، تعیین تکلیف وضعیت تحریم‌ها، خروج از لیست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) و موارد مشـابه است. وظیفه وزیر پیشنهادی وزارت خارجه در این زمینه سنگین‌تر است. تقویت معاونت اقتصادی وزارتخانه و مشاوره با تیمی از کارشناسان حقـوق بین‌الملل اقتصـادی جزء برنامه‌هـای حوزه سیاسـت خارجی باید باشد.

به هر حال از هفته بعد، بررسـی صلاحیت وزیران پیشـنهادی در صحن علنی مجلس پیگیری می‌شود و از آن پس، مطالبات مدنی از دولت قابل پیگیری خواهد بود؛ زیرا همچنان که خودشـان اذعان داشتند، در برابر هر مسئولیتی باید پاسخ‌گویی هم وجود داشته باشد.